

گردش نظام پولی خلافت عباسی در قالب چک و سفته

سیدمحمد رحیم ربانی‌زاده*

چکیده

سیاست‌های مالی و پولی در هر دوره از تاریخ به اشکال گوناگون اجرا می‌شده است. یکی از این سیاست‌ها چگونگی و نحوه گردش نظام پولی است که در مقاطع تاریخی نمودهایی خاص داشته است؛ در دوره خلافت عباسی، به سبب افزایش معاملات تجاری و حمل و نقل‌های مالی، نظام پولی در قالبی خاص عرضه می‌شد. این الگو استفاده از چک و سفته بود. خلافت عباسی برای پیشبرد فعالیت‌های مالی و تجاری و معاملات کلان خود در عملیات مالیاتی با هدف رفع مشکلات ناشی از حمل و نقل پول‌های سکه‌ای، به‌ویژه زر و سیم‌های بسیار سنگین، به روش پرداختی ایمن، سبک، راحت، و سهل‌الوصول نیاز داشت. بنابراین کاربرد چک و سفته، با وزن کم و قابلیت جابه‌جایی بسیار آسان، از ابزارهای سپرده‌گذاری و حواله مالی در راستای سیاست‌های گردش پولی در امپراتوری عباسی گسترش یافت. استنادات این پژوهش بر اساس مراجعه به متون و منابع تاریخی، به‌ویژه منابع مالی و خراجی دوره مورد نظر، و تجزیه و تحلیل داده‌ها استوار است. مستندات تاریخی حاکی از افزایش و پیشرفت فعالیت‌های مالی، شبیه به بانک‌های امروزی، در دوره خلافت عباسی در قالب چک و سفته است که باعث شکل‌گیری شیوه نظارتی جدید و هم‌چنین گسترش نهادی به نام صرافی بود که در پرداخت مابه‌ازای پولی معاملات در روش جدید نقش مهمی را ایفا می‌کرد.

کلیدواژه‌ها: خلافت عباسی، سیاست‌های پولی و مالی، چک، سفته.

* استادیار گروه تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۱۰

۱. مقدمه

با تشکیل و تداوم حکومت اسلامی و گسترش قلمرو آن در سایر سرزمین‌ها ثبات اقتصادی به تدریج افزایش یافت. در پی افزایش ثبات اقتصادی، شالوده‌های عصر طلایی اقتصاد در قلمرو حکومت اسلامی بنیاد نهاده شد. به عبارت دیگر، کسب و کار رونق گرفت و فعالیت‌های تجاری در شهرهای اسلامی گسترش یافت. این فعالیت‌های تجاری پس از بنای شهر بغداد، به‌منزله پایتخت خلافت عباسی، به اوج خود رسید. شهر بغداد، از طریق راه‌های ارتباطی آبی، از یک سو به خلیج فارس و از سوی دیگر به موصل و سوریه مربوط می‌شد. هم‌چنین این شهر پذیرای کاروان‌هایی بود که از طریق بیابان به سوریه و ایران می‌رفتند. بدین ترتیب، نه تنها موقعیت جغرافیایی بغداد باعث شده بود که این شهر نقطه عبور اجباری برای همه نقل و انتقالات و مبادلات تجاری، که از راه‌های خشکی و آب صورت می‌گرفت، باشد، بلکه وجود دربار خلافت، که مصرف‌کننده مقادیر بسیاری از کالاهای تجملی و زینتی بود، باعث رونق بازار بغداد می‌شد. این وضعیت و موقعیت جغرافیایی بغداد باعث شد که تعداد بسیاری از تجار بزرگ و معروف در این شهر سکونت گزینند. این تجار که تعدادی ایرانی و تعدادی یهودی و مسیحی بودند برای وزرای خلیفه عباسی به‌منزله بانک‌داران دولتی امروزی شمرده می‌شدند. با افزایش معاملات تجاری و فعالیت‌های مالی به تدریج نظام پولی در قالب چک و سفته عرضه شد.

هدف از استفاده چک و سفته در معاملات تجاری جلوگیری از حمل و نقل پول‌های سکه‌ای بسیار سنگین، به‌ویژه سکه‌های زر و سیم، بود. این سکه‌ها به تدریج بر اثر پرداخت‌ها و جابه‌جایی‌های مکرر صدمه می‌دیدند و از لحاظ امنیتی هم مشکل‌ساز بودند؛ در صورتی که چک و سفته با وزن کم و قابلیت حمل و نقل بسیار آسان این مشکلات را نداشتند. بنابراین، کاربرد چک و سفته، به‌منزله یکی از ابزارهای سپرده‌گذاری و حواله‌های مالی، در راستای سیاست‌های گردش پولی در امپراتوری عباسی گسترش یافت.

این پژوهش در راستای پاسخ به این پرسش که گردش نظام مالی در دوره خلافت عباسی در چه قالب‌ها و الگوهایی انجام می‌گرفت، دو الگوی مبادلات مالی سریع و ایمن یعنی سفته و چک را مطالعه و درباره آن تحقیق کرده است. از این‌رو هدف مقاله بررسی کارکردها، نحوه اجرا، و بسط و گسترش چک و سفته در قلمرو خلافت عباسی است که با استفاده از منابع تاریخی، به‌خصوص داده‌های آن دسته از منابع که در حوزه اقتصاد به‌ویژه خراج و امور مالی است، به این بررسی می‌پردازد. اولین الگوی معاملاتی که در این پژوهش

بررسی می‌شود سفته است که ضمن تعریف، نقش و گستره جغرافیایی استفاده از سفته و موارد کاربرد آن بر پایه منابع تاریخی و مطالعات مستشرقان مورد تحقیق قرار می‌گیرد.

۲. سفته به منزله ابزار مبادله مالی

در دوره اسلامی، سفته یکی از ابزارهای سپرده‌گذاری و از بهترین انواع مبادلات مالی بوده است که از آن می‌توان به «حواله»، «اوراق مالی»، یا «ضمانت‌نامه» نیز یاد کرد. صابی در تعریف سفته گفته است: شخصی مالی را به دیگری پرداخت می‌کند، درحالی که دریافت‌کننده در شهر پرداخت‌کننده مالی دارد (صابی، بی تا: ۸۶). خوارزمی سفته را «سفته» به ضم حرف سین تلفظ نموده و فقط اشاره دارد که وسیله معروفی است. وی در این خصوص توضیح بیش‌تری نداده است (خوارزمی، ۱۳۶۲: ۶۴). به نظر می‌رسد کاربرد و مفهوم سفته آنقدر مشخص بوده که خوارزمی نیازی به تعریف آن ندیده است و البته احتمال دارد وی آن را به‌طور کامل نمی‌شناخته است. انوری سفته را این‌گونه تعریف کرده است: «مالی باشد که به شهری یا به جایی به کسی دهند و به جای دیگر بازستانند» (انوری، ۱۳۷۳: ۱۰۰).

با گذشت زمان، تجار به علل گوناگون و از جمله ایمن نبودن انتقال مسکوکات طلا و نقره از محلی به محل دیگر آن‌ها را نزد شخصی به نام صراف^۱ به امانت می‌گذاشتند. صراف مبادله‌کننده پول، تبدیل‌کننده پولی به پول دیگر، و ارزیاب پول بود. این تجار در قبال سپردن مسکوکات از صراف سفته‌ای دریافت می‌کردند و با تحویل سفته به صراف دیگر در شهری دیگر که قابل اعتماد صراف اول بود و یا به شعبه‌ای که خود صراف در آن شهر داشت، مسکوکات طلا و نقره دریافت می‌کردند. بدین ترتیب، دیگر لازم نبود تجار مسکوکات را با خود حمل کنند و از شهری به شهر دیگر ببرند و در نتیجه، این مسکوکات از دست‌برد راهزن‌ها نیز در امان می‌ماند. با افزایش اعتماد تجار به سفته‌ها و گردش این اوراق در میان ایشان، پول فلزی دست‌نخورده در صندوق صراف باقی می‌ماند (طیبیان، ۱۳۶۶: ۳۳).

لمبتون، ضمن اشاره به نقش و کاربرد گسترده سفته، بر این نظر است که استفاده از سفته مبادلات بازرگانی خصوصی، اداره امور مالی دولت، مناسبات تجاری، و دادوستد حکومتی امپراتور عباسی را تسهیل کرد (لمبتون، ۱۳۷۴: ۳۵۷). محدوده استفاده از سفته، که به حواله‌های بازرگانی شباهت فراوانی دارد، بیش از یک شهر بوده است. به عبارت دیگر، تعداد شهرهایی که سفته در آن‌ها کاربرد داشته بیش از یک شهری بوده که چک در

آن رواج داشته است (السعدی، ۱۹۸۵: ۲۹۶). برای نمونه، از «ابن عباس» نقل شده است که فردی در مکه درهم می‌گرفت و سفته می‌نوشت که معادل آن در کوفه به شخص پرداخت‌کننده درهم تحویل داده شود (سرخسی، ۱۳۲۴: ۱۴/۳۷)؛ بنابراین مشاهده می‌شود که سفته بدون محدودیت مکانی در همه شهرهایی که صرافی در آن شهرها شعبه داشت و یا این‌که با دیگر صرافی‌ها نقل و انتقال مالی داشت انجام‌پذیر بود.

۳. گسترش کاربرد سفته از جهان اسلام به سایر سرزمین‌ها

در اوایل قرون وسطی، نهضت اتحاد اسلامی شالوده‌های عصر طلایی اقتصاد را بنیاد نهاد بود و اسلام، به هر جا که وارد می‌شد، کسب و کار و داد و ستد را رونق می‌بخشید و نقش مهمی در توسعه معاملات اعتباری ایفا می‌کرد. از طریق اسپانیا، مدیترانه، و دریای بالتیک بود که بازرگانان جهان اسلام توانستند، در جایگاه واسطه‌های ضروری، در تجارت غرب مداخله داشته باشند و بدین وسیله تجارت میان اروپا با جهان اسلام دیگر منحصر به سرزمین‌های جنوب اروپا نبود (میرآخور و الحسنی، ۱۳۷۱: ۸۷-۱۲۳). اشیپولر نشان داده که چگونه تجارت بین ملت‌های اسلامی و سرزمین‌های شرق با اروپا از طریق روسیه و لهستان تا سواحل دریای بالتیک، اسکاندیناوی، و شمال مرکزی اروپا صورت می‌گرفته است (Spuler, 1970: 11-20). همراه با تجارت فرهنگ، نهادهای مالی، و فرایندهای اقتصادی اسلام نیز اشاعه می‌یافته است. برای نمونه، مورخی به نام «لابیب» متن قرارداد مضاربه‌ای را که بین یک تاجر ونیزی و بازرگانان مسلمان ساکن اسکندریه منعقد شده یافته است (Labib, 1969: 77-98).

در دوره اسلامی، کاربرد سفته در معاملات تجاری افزایش یافت و این امر موجب رونق تجارت شد. رونق تجارت در سرزمین‌های تحت حکومت اسلامی باعث شد که اروپای قرون وسطی، از راه بازرگانی با سوریه و لبنان، به اهمیت و مزیت استفاده از اسناد و اوراق تجاری از جمله سفته پی ببرد. از این‌رو، اروپای قرون وسطی، به تقلید از مسلمانان، سفته را در بازارهای خود رواج داد (لومبارد، ۱۳۵۶: ۸۵). در قرن نهم میلادی نیز کاربرد سفته در میان بازرگانان چینی رواج یافت. با رواج سفته به دست تجار مسلمان در اروپای قرون وسطی، و به دنبال مقبولیت و به‌کارگیری آن از جانب تجار اروپایی، یک بانک‌دار سوئسی به نام پالمستروخ در ۱۳۵۶ م در زمینه سفته به ابتکار تازه‌ای دست زد. وی سفته‌ها یا رسیده‌های استاندارد و با مبلغی مشخص و از قبل آماده شده را ارائه

کرد. با این سفته‌ها، صادرکنندگان صاحب اعتبار شده و در قبال این سفته معادل طلا و نقره به آنان اعطا می‌شد. این روند آغاز پیدایش اسکناس تبدیل‌پذیر به طلا و نقره بود (یوسفی، ۱۳۷۶: ۳۴).

۴. سفته در دوره خلفای اسلامی

۱.۴ صدر اسلام

سفته در صدر اسلام کاربرد محدودی داشت. بیش‌ترین استفاده‌کنندگان از سفته در این زمان ابن عباس و ابن زبیر بودند (سرخسی، ۱۳۲۴: ۱۴/۳۷). برای مثال، ابن زبیر درهم‌های نقره را در مکه از بازرگانان می‌گرفت سپس به بصره و کوفه حواله می‌داد و آنان نیز در ازای آن مسکوکات پول نقد دریافت می‌کردند (همان).

۲.۴ دوره اموی

داده‌های تاریخی از کاربرد محدود سفته در این دوره حکایت می‌کند تا جایی که جهشیاری بیان کرده است که در ایام خلافت مروان بن محمد (۱۲۷-۱۳۲ق) مالیات بعضی از مناطق به‌صورت سفته به بصره ارسال می‌شد (جهشیاری، ۱۳۵۷: ۴۷).

۳.۴ دوره عباسی

در دوره خلافت عباسیان سفته نقش بارزی در معاملات مالی و تجاری و حتی پرداخت مالیات ایفا می‌کرد. نقشی را که سفته در سامان‌دهی گردش سریع پول و جلوگیری از خطر سرقت آن ایفا می‌کرد بی‌شک شبیه چک‌های مسافرتی (travellers cheques) امروزی است با این تفاوت که برای جلوگیری از سرقت سفته، تدابیر خاصی لحاظ می‌شد و سفته را فقط حامل آن می‌توانست بگیرد (برای اطلاعات بیش‌تر ← Fischel, 1937: 1-44). البته در ابتدای حاکمیت عباسیان سفته کاربرد اندکی داشت. دوره دوم خلافت عباسی (۲۳۲-۴۴۷ق)، از زمانی که نهادها و دیوان‌های مالی توسعه پیدا کرد، اوج رونق سفته بوده است و احتمالاً یکی از علل گسترش و توسعه آن بحران مالی حکومت بوده است. از سوی دیگر با توجه به رونق بازرگانی و مخاطرات در بین راه‌ها، بازرگانان هنگام حمل اموال تجاری از سفته استفاده می‌کردند تا با امنیت کامل اموال خود را نقل و انتقال دهند (الزبیدی، ۱۹۶۹: ۲۲۳).

که این نبود امنیت به سبب درگیری‌های داخلی و جنگ‌های بیرونی و یا اعلام استقلال برخی از مناطق بوده است.

در خصوص زمان و چگونگی کاربرد سفته‌ها مطالبی مطرح شده است. برای نمونه سفته‌ها موعده و سررسید معینی داشته‌اند. سفته‌هایی که از سوی والیان به خزانه می‌رسید تا زمان سررسید آن‌ها در خزانه نگه‌داری می‌شد. برای مثال، در ۲۵۵ ق که ترک‌ها بر معتز از (۲۵۲-۲۵۵ ق) خلیفه عباسی شوریدند و پنجاه‌هزار دینار از او درخواست نمودند، معتز از مادرش کمک خواست و مادرش گفت: «نزد من مالی نیست، و سفته‌هایی برای ما رسیده، آن‌ها منتظر باشند تا وجوه آن‌ها را دریافت و به آن‌ها پرداخت کنیم» (طبری، ۱۳۷۵: ۱۴/ ۶۲۸۷-۶۲۸۸). با توجه به ناامنی راه‌ها و درگیری‌های داخلی و خارجی، عمده مالیات و خراجی که از سایر سرزمین‌های خلافت به مرکز ارسال می‌شد از طریق سفته بود زیرا، علاوه بر علل امنیتی، ارسال مالیات در قالب اجناس به مرکز حکومت مدت زمان طولانی طول می‌کشید و همین تأخیر باعث بحران و شورش می‌شد. از سویی، دولت‌ها در مواقعی که گرفتار بحران مالی می‌شدند نیاز داشتند که مشکلات مالی خود را از طریق تجار و بازرگانان حل نمایند. از سوی دیگر، بازرگانان برای این‌که پولی در اختیار حکومت قرار دهند نیاز به تضمین و سند معتبری داشتند تا بتوانند وجهی را که به دولت داده‌اند پس بگیرند. بهترین تضمین و سند در این دوره در اختیار قراردادن سفته‌هایی بود که بعضی از حکام بابت خراج موظفی باید می‌پرداختند، اما هنوز زمان وصول آن سفته‌ها فرانسیده بود. صابی به خوبی نمونه‌ای از اخذ وام و نحوه تضمین آن را آورده است؛ ایشان نقل کرده که علی بن عیسی وزیر زمانی به وجهی احتیاج پیدا کرد، لذا مبلغ ده‌هزار دینار از بازرگانان وام گرفت و سفته‌هایی را که از مناطق گوناگون وارد شده و موعده وصول آن‌ها فرانسیده بود تضمین آن وام قرار داد که بهره آن در هر دینار آن یک‌دانش و نیم درهم بود، و بهره کل وام در هر ماه به دوهزار و پانصد درهم بالغ شد (صابی، بی تا: ۱۹۳).

در ایام خلافت معتمد عباسی (۲۵۶-۲۷۹ ق)، احمد بن طولون در خلال سال‌های (۲۶۲-۲۶۶ ق) سفته‌هایی به ارزش یک میلیون و دویست هزار دینار یعنی به صورت سالانه سی صد هزار دینار به مرکز خلافت ارسال می‌کرد (صالح الفاضلی، ۱۳۸۳: ۱۲۰-۱۲۱). هم‌چنین منابع در ذکر حوادث ۲۹۹ ق اشاره نموده‌اند که تعدادی سفته از ایالت‌های گوناگون به خزانه خلافت ارسال و در دیوان وزیر خاقانی استفاده می‌شد (صابی، بی تا: ۲۸۶). دامنه کاربرد سفته چنان توسعه یافت که حکام اموال را از طریق سفته به مرکز خلافت

می فرستادند. در ۳۱۳ ق «سلامه» کارگزار مصر و شام سفته‌هایی به ارزش صد و چهل و هفت هزار دینار به مرکز خلافت ارسال کرد (مسکویه رازی، ۱۳۷۶: ۵/۲۱۳).

با توجه به این که سفته‌ها موعد و سررسید مشخصی داشتند گه‌گاهی در سال مالی مشخص به مصرف نمی‌رسید و در زمان‌های بعدی به مصرف می‌رسید. ابن مسکویه از باقی ماندن سفته‌های ارسالی در خزانه و مصرف نکردن به موقع آن گزارش می‌دهد. زمانی که علی بن عیسی در ۳۱۵ ق به وزارت رسید، و به حساب مالی رسیدگی می‌شد، سفته‌هایی بالغ بر هشتاد هزار دینار یافتند که یکی از کارگزاران ارسال نموده بود (همان: ۲۱۸-۲۱۹).

برخی از حاکمان مالیات موظفی را که باید به حکومت ارسال می‌کردند به شکل سفته می‌فرستادند. ابن مسکویه نقل کرده است که ابوعلی بن رستم برابر پیمان منعقدشده سفته‌هایی به مبلغ چهارصد هزار درهم ارسال نمود که با خرج آن بخشی از مشکلات مالی دولت برطرف شد (همان). وقتی که ابن مقله به وزارت رسید ابو عبدالله بریدی، فرمان‌دار اهواز، سفته‌هایی به مبلغ سی صد هزار دینار، باقی مانده از حساب گذشته، را برای وی فرستاد و نیز سفته‌هایی از طرف قاسم بن دینار و احمد بن محمد بن رستم حاکمان کرمان و اصفهان بالغ بر شش صد هزار درهم برای علی بن عیسی وزیر ارسال کرد که این سفته‌ها پس از برکناری وزیر به بغداد رسید و ابوعلی بن مقله وزیر این اوراق را برداشت و به امورات وزارت سامان داد (همان: ۲۶۲). در ۳۳۴ ق هنگامی که فشار بر «ابن شیرزاد» شدت یافت و برای پرداخت مواجب ترکان و دیلمی‌ها با مشکل مواجه شد از ناصرالدوله با وعده بازگرداندن امارت به وی درخواست کمک مالی کرد، وی نیز سفته‌هایی معادل پانصد هزار درهم برای او فرستاد (همان: ۱۱۶/۶).

والیان در بعضی اوقات برای پاداش دادن به افراد از سفته استفاده می‌کردند؛ نقل می‌شود هنگامی که سیف‌الدوله در روزگار توزون، یکی از امرای دیلم، وارد بغداد شد و برای استراحت به خانه بنی خاقان رفت، دو جوان در آن جا بودند و از امیر حمدانی پذیرایی کردند. سیف‌الدوله دواتی طلب کرد و برای آنان هزار دینار به یکی از صرافان حواله کرد. آنان نوشته را به نزد صراف بردند و او فوراً پول را پرداخت کرد (Canard, 1934: 345-346). این حاکی از این است که صرافی‌های شهر امضای والیان را می‌شناختند و بدون معطلی وجه مورد نظر به حامل سفته پرداخت می‌شد.

البته این مختص والیان نبود و حتی برخی از اشخاص هم از این روش استفاده می‌کردند برای نمونه پسر خلیفه مقتدر برای ابو عبدالله محمد بن علی بن الحسین دامغانی، یکی از

طالبان علم، حواله‌ای نوشت که یکی از اشخاص مبلغی پول و سایر مایحتاج وی را بپردازد و این حواله برای مردمی از اهالی باب‌الأزج بغداد بوده و او پرداخت کرده است (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۵۰-۲۵۱).

در برخی اوقات هم سفته‌هایی که به مرکز خلافت می‌رسید، به سبب آن‌که باعث بروز مشکلاتی برای دولت می‌شد، به جریان نمی‌افتاد و به مصرف هم نمی‌رسید؛ چنان‌که در دوره ابوعلی خاقانی، وزیر مقتدر خلیفه عباسی، اوضاع به همین صورت بود (صابی، بی‌تا: ۲۸۵). به نظر می‌رسد سفته نقش اساسی در نظام مالی خلافت عباسی داشت، به شکلی که نه تنها به منزله وسیله انتقال مالیات از سایر مناطق بود، بلکه در بخش‌های داخلی حکومت و تسهیل امور مالی هم کاربرد داشته است و فیشل این را به خوبی بیان کرده: «سفته تنها در تجارت خارجی به کار نمی‌رفته بلکه در تسهیل عملیات مالی و اداری بین دستگاه‌های دولتی نیز کارایی داشته است» (Fischel, 1933: 578).

۵. الگوی گردش مالی در قالب چک

چک (cheque) مدرکی بود برای هر نوع مطالبه که در آن اسامی استحقاق‌دارندگان و شماره آن‌ها و مبلغ مال تعیین می‌شد و حاکم وقت انتهای آن را امضا می‌کرد تا دارنده آن مطالبات خود را دریافت کند که در زبان عربی به آن «صک» می‌گویند (خوارزمی، ۱۳۶۲: ۵۹؛ ابن منظور، ۱۹۵۶: ۱۰/۴۵۶).

شایان ذکر است که چک در دوره عباسیان دارای سه معنی خاص بوده است. یک نوع چک به معنای سیاهه گواهی مهرشده‌ای بود که مشتمل بر اسامی سپاهیان و کارمندان و حقوق آنان بوده است. معنی دوم چک همان کاربرد مالی معروف چک است که موارد کاربرد آن بررسی می‌شود. چک به معنی قباله نیز در بعضی جاها به کار رفته است. برای نمونه، طبری آورده است معتصم در ۲۱۹ ق مصمم شد که سامرا را برای مرکز خلافت بنا کند، لذا به احمد بن خالد دستور داد که محل مناسبی را برای وی انتخاب نماید. احمد بن خالد می‌گوید:

سامرا را از نصرانیان صاحب دیر به پانصد درهم خریدم و محل بستان خاقانی را به پنج هزار درهم و هم چنین چند محل دیگر را خریدم تا آن‌چه را می‌خواستم کامل کردم، آن‌گاه چک‌ها را پیش معتصم بردم (طبری، ۱۳۷۵: ۱۳/۵۸۱۱).

که در این جا چک به معنی قباله به کار رفته است.

۱.۵ چک در صدر اسلام

سابقه کاربرد چک به ایران باستان بازمی‌گردد. در دوره ساسانیان، یهودیان و زرتشتیان فعالیت‌های مالی و صرافی را بر عهده داشتند. یهودیان اکثر مبادلات پولی را با اسناد مکتوب انجام می‌دادند و بدین وسیله از حمل و نقل سکه، به‌ویژه زر و سیم که بسیار سنگین بود، جلوگیری می‌کردند. از جمله این اسناد مکتوب چک بود چنان‌که گیرشمن می‌نویسد:

گروهی اندک از متخصصان مالی می‌دانند که کلمه چک یا اصطلاح تضمین سند از زبان پهلوی [به زبان‌های اروپایی] رفته و آن‌ها از ابداعات مؤسسات بانکی ایران هستند ... (گیرشمن، ۱۳۸۳: ۴۰۸).

هم‌چنین ابن منظور می‌گوید واژه «صک» فارسی است که معرب شده و اصل آن «جک» است (ابن منظور، ۱۹۵۶: ۱۰/۴۵۶).

از آنجایی که چک از اوایل ظهور اسلام به معنای نوعی حواله اعطایی که به موجب آن حقوق سپاهیان پرداخت می‌شد شناخته و معروف بوده است، با شکل‌گیری جنبش اقتصادی در حکومت اسلامی به کارگیری چک رواج یافت (فرای، ۱۳۶۵: ۱۰۷). به گفته یعقوبی در حکومت اسلامی عمر نخستین کسی بود که از چک برای پرداخت استفاده کرده است و پایین چک‌ها را مهر زده است (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/۴۳). در منابع آمده است که عمر بن خطاب به کارگزار خود در مصر نوشت که مواد خوراکی را به مدینه حمل کند، زمانی که این اقلام به مدینه رسید، حجم زیاد کالای واردشده مانع از توزیع سریع آن در میان مردم شد لذا خلیفه عمر دستور داد تا زید بن ثابت ثابت مردم را ملزم کند که مراتب و نام خود را بر در خانه‌هایشان بنویسند و برای آن‌ها چک‌هایی از کاغذ نوشته شود و سپس او زیر چک‌ها را امضا نماید تا به‌مرور در زمان هر کدام به بیت‌المال رجوع کنند و سهمیه خویش را تحویل بگیرند (همان). به نظر می‌رسد برخی از چک‌ها بدون تاریخ نوشته می‌شد و همین باعث گلابه برخی از کارگزاران می‌شد. قلقشندی آورده است که ابوموسی اشعری به خلیفه دوم نامه نوشت که برخی از چک‌های ایشان تاریخ مشخصی ندارد و فقط با عبارت ماه شعبان نوشته شده است و مشخص نیست که شعبان گذشته مد نظر خلیفه بوده است یا شعبان آینده (قلقشندی، ۱۹۷۰: ۱۰/۳۰۹-۳۱۰).

گاهی پرداخت چک از طرف والی یا خلیفه به نام بیت‌المال صادر می‌شد. برای مثال، خلیفه عثمان فرمان داد سی صد هزار درهم به عبدالله بن خالد بن اسید بن ابی العیص و یک صد هزار درهم به هریک از همراهان وی داده شود. وی هم‌چنین چک‌هایی با همین

ارقام به نام ابن ارقم متصدی بیت‌المال صادر کرد، ولی ابن ارقم به علت بالابودن مبلغ چک از پرداخت آن به همراهان ابن خالد خودداری نمود. لذا خلیفه عثمان دستور عزل وی را صادر نمود و زید بن ثابت انصاری را به جای وی گماشت (بلاذری، ۱۴۰۰: ۵/۵۴۸).

۲.۵ دوره اموی

در برخی مواقع، حکام مستمری و یا عطایا را به صورت چک می‌نوشتند و بیت‌المال آن را پرداخت می‌کرد. حجاج بن یوسف ثقفی والی اموی دستور داد تا عطای ابن سلکه با چک (صک) پرداخت شود (ابن عبدربه، ۱۹۵۳: ۱/۳۱). در برخی مواقع، دارندگان چک در برابر خریدهایی که انجام می‌دادند، می‌توانستند برای فروشندگان چک صادر کنند و حتی چک‌ها را در وجه خزانه‌دار بیت‌المال می‌نوشتند، و به نظر می‌رسد با این عمل یک نوع نظارت در نحوه وصول چک‌ها از طرف مسئولین خراج رعایت می‌شد. در روزگار سلیمان بن عبدالملک اموی، هنگامی که زید بن مهلب والی عراق بود، کالاهای بسیاری از یکی از فروشندگان خرید و در مقابل بهای آن‌ها چکی به نام فروشنده صادر کرد و به صالح بن عبدالرحمن، مسئول خراج، دستور پرداخت آن را داد. اما مسئول خراج از پرداخت وجه چک‌ها خودداری نمود. فروشنده پرداخت نکردن چک را به والی اطلاع داد. زید بن مهلب از عمل مسئول خراج به شدت ناراحت شد و وی را مورد مؤاخذه قرار داد. اما صالح در جواب گفت: «خراج و مالیات هزینه شخصی نیست. من سهم شما را از بیت‌المال مشخص و معین کرده‌ام و برای سپاه اموالی که خواستی داده‌ام»، اما ابن مهلب هم‌چنان بر پرداخت و پاس کردن چک‌ها اصرار داشت ولی مسئول خراج در جواب والی اظهار داشت که هیچ سرفصلی در بودجه برای پرداخت این‌گونه موارد تعریف نشده و در صورتی که پرداخت نمایم مورد شماتت و مؤاخذه امیر مؤمنان قرار می‌گیرم. زید بن مهلب به وی گفت: «اما ای ابوالولید این بار این چک‌ها را پرداخت کن». صالح که مسئول خراج بود چک‌ها را پرداخت نمود و به والی هم یادآوری نمود که از این پس این‌گونه چک‌ها را صادر نکند که این امر مورد موافقت زید بن مهلب قرار گرفت (طبری، ۱۳۷۵: ۹/۳۹۱۵؛ العیون و الحدائق فی اخبار الحقائق، ۱۹۷۲: ۳/۲۰).

۶. تحول کاربرد چک در دوره عباسی

در عصر عباسیان کاربرد چک وارد مرحله جدیدی شد و بیش‌تر منابع از کاربرد آن در این دوره سخن راندند. در دوره هارون الرشید، فضل بن یحیی برمکی از خلیفه درخواست نمود

تا مبلغ یک صد هزار درهم به محمد بن ابراهیم امام داده شود. این تقاضا مورد موافقت خلیفه قرار گرفت و فضل از او سپاس‌گزاری کرد. سپس، فضل از هارون الرشید خواست که وی با خط خود چکی به نام ابراهیم امام بنویسد (جهشیاری، ۱۳۵۷: ۱۹۶؛ الدجیلی، ۱۳۷۹: ۱۶۲؛ الدوری، ۱۹۹۵: ۱۹۸). هم‌چنین، فضل بن یحیی زمینی را به مبلغ دو صد هزار درهم خرید و برای پرداخت ثمن آن یک قطعه چک برای مالک ارسال نمود (جهشیاری، ۱۳۵۷: ۲۱۴). طبری در کتاب خود، بعد از مطرح کردن مصادره اموال محمد بن سلیمان و نحوه تقسیم آن به دست هارون الرشید، در خصوص چگونگی توزیع نقدینگی بیان می‌کند:

هارون الرشید دستور داد تا چک‌هایی برای ندیمان تدارک دیده شود، و برای نغمه‌گران چک‌های کوچکی نوشته شود که در دیوان به گردش درنیامد. هم‌چنین، وی به سایرین چک‌هایی داد. مبالغی که در چک‌ها قید شده بود به حاملین تحویل داده شد (طبری، ۱۳۷۵: ۱۲/۵۲۳۵؛ مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۳/۵۰۵-۵۰۶).

اوج رواج چک در این دوره در زمان خلیفه معتضد است زیرا بیش‌ترین تحولات در خصوص نظام مالی را در این مقطع شاهدیم. صابی آورده است که در ایام خلافت معتضد چک‌هایی به مبلغ سه هزار دینار بین عاملان برای توزیع ارزاق در دارالخلافه نوشته شد (صابی، بی تا: ۴۸). به نظر می‌رسد برای جلوگیری از تخلفات احتمالی و برای پرداخت حقوق مأموران حکومتی از چک استفاده می‌شده است و آن‌گونه که از شواهد تاریخی استنباط می‌شود چک‌های صادر شده زمانی وصول‌شدنی بود که باید مانند امروزه دارای دو امضا باشد، در غیر این صورت پرداخت نمی‌شد و با توییح مقام مافوق مواجه می‌شد که در منابع گوناگون اشاراتی به کاربرد این نوع چک در قرن چهارم هجری قمری شده است. چک در مرکز حکومت برای پرداخت مواجب سپاهیان نیز به صورت ملموسی استفاده می‌شد. در روزگار المکتفی خلیفه عباسی، ابوالحسن بن فرات نویسنده دیوان خراج، محمد بن داوود، متولی حقوق سپاهیان را به سبب پرداخت‌های بدون چک و یا سند مورد حسابرسی و مؤاخذه قرار داد؛ به همین علت، وزیر او به متصدی بیت‌المال دستور داد که هیچ چیزی را اعم از اعطا و هزینه بدون معرفی و اجازه ابوالحسن آزاد از بیت‌المال خارج نکند و باید امضا یا علامت او بر روی چک‌ها ثبت شده باشد (همان: ۱۳).

رفته‌رفته کاربرد چک توسعه پیدا کرد و از دایره امور حکومتی صرف خارج شد و وزرا برای اشخاصی که مسئولیت دیوانی هم نداشتند چک صادر می‌کردند. ابن فرات وزیر زمانی که تصمیم گرفت به ابن ابی بعل کمک کند چکی به مبلغ سه هزار درهم به نام یک نفر

نوشت. هم‌چنین سلیمان بن حسن بن مخلد کاتب بیت‌المال چک‌هایی به مبلغ هزار و شش صد دینار در یک روز برای پرداخت به متولی دیوان ارزاق نوشت چک‌ها برای پرداخت گاهی در وجه بیت‌المال نوشته می‌شد، اما در بیش‌تر اوقات به نام خزانه‌دار نوشته می‌شد (همان: ۷۳، ۷۷، ۷۸، ۲۳۵). ابوسلاسل در زمان ابن مقله حاکم شوشتر بود. گزارش‌هایی به وزیر در خصوص تخلفات مالی ابوسلاسل دادند. وزیر در ۳۱۵ق ابو عبدالله بریدی را مأمور رسیدگی به اموال ابوسلاسل در شوشتر نمود، با بررسی اموال وی و مشخص شدن تخلف ابوسلاسل، او و کارمندانش را دست‌گیر کردند. ابوسلاسل ده‌هزار دینار نزد جهبذ خود موجودی داشت بریدی با وی قرار گذاشت که برای پولی که نزد جهبذ^۲ داشت چکی بنویسد و آن را بابت هزینه‌های غیر واقعی قلمداد کند (مسکویه رازی، ۱۳۷۶: ۵/۲۲۸). که این امر از کاربرد چک در مراحل اداری و حتی آن‌چه امروزه به آن حساب‌سازی می‌گویند حکایت می‌کند.

۷. صدور چک به‌دست اشخاص

البته همیشه چک را حاکمان صادر نمی‌کردند داده‌های منابع حاکی از آن است که برخی از شعرا و بزرگان هم چک صادر می‌کردند. بشار علاف شاعر می‌گوید:

در مجلس ابی‌الحسن اخفش حضور داشتم ایشان چکی در وجه من به علی بن یحیی برزق صادر کرد ایشان دینارهایی به من عطا نمود و به من امر کرد که در خصوص تعداد دینارها به اخفش چیزی نگویم (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۷/۳۹۱).

با توجه به قراین بعدی که از متن برداشت می‌شود و بشار به‌صورت شعر آورده است چنین استنباط می‌شود که چک اخفش با کسر مبلغی پاس شده است و درواقع یک حق حسابی و یا دست‌مزدی از آن کسر نموده است. در برخی از منابع آمده است که جحظه برمکی شاعر (۲۲۴-۳۲۴ق) گفته است: یکی از ملوک برای من چکی نوشت برای وصول آن به جهبذ مراجعه نمودم، جهبذ برای پرداخت آن زیادی معطلم نمود. به‌همین علت، جحظه اقدام وی را با شعر جواب داده است (همان: ۴/۲۸۸؛ تنوخی، ۱۳۹۱: ۵/۲۱۸؛ حموی، ۱۴۱۴: ۱/۲۰۹).

مسکویه در تجارب‌الامم معمولاً از چکی که به نام خزانه‌دار نوشته می‌شد صحبت کرده است، زیرا چک در این دوره حتی برای پرداخت هزینه‌های اندک هم کاربرد داشته است، و دایره شمول دریافت و پرداخت چک توسعه پیدا کرده است، به‌شکلی که مسکویه حتی به

چکی اشاره کرده است که در ۳۳۲ق به نام خزانه‌دار بابت خرید بوريا و نفت به نه درهم، نوشته شده بود (مسکویه رازی، ۱۳۷۶: ۶/ ۱۰۰). بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که به‌مرور زمان در کاربرد چک تحول عمده‌ای رخ داده است. البته کاربرد چک با سفته تفاوت‌هایی داشت که مربوط به کارایی هر کدام می‌شد. به‌طور مثال، چک فقط در همان شهری که نوشته می‌شد وصول‌شدنی بود ولی سفته در هر شهری دریافت‌شدنی بود.

۸. نتیجه‌گیری

نظام نوین و پیشرفته بانک و بانک‌داری در دنیای امروز، شکل تحول‌یافته ساختار پولی و مالی حکومت‌های پیشین است. از جمله موارد کاربرد چک و سفته در دوره اسلامی است که، به‌منزله اسناد مکتوب، از ابزارهای سپرده‌گذاری و از بهترین انواع مبادلات مالی شناخته شدند. نقشی را که سفته در سامان‌دهی گردش سریع پول و جلوگیری از خطر سرقت آن ایفا می‌نمود چک‌های مسافرتی در نظام پولی کنونی با تفاوتی مختصر بر عهده دارند.

اوج رونق سفته در دوره دوم خلافت عباسیان به دو علت مهم بوده است. نخست بحران مالی و درحقیقت فقدان نقدینگی که حکومت با آن مواجه شده بود و دیگری تضمین وام که به‌علت مشکلات مالی از آن استفاده می‌کردند. چک و سفته به‌منزله دو الگوی معاملاتی، که درعین حال تمایز مهمی نیز با یک‌دیگر دارند، در مبادلات مالی باعث تسهیل تجارت و در نتیجه رونق آن می‌شدند؛ و کاربرد آن‌ها از جمله تدابیری محسوب می‌شد که در دوره مواجهه خلفای عباسی با مشکلات مالی، به‌منظور رونق مالی و تجاری، به‌کرات مشاهده می‌شد. این الگوهای گردش مالی بعدها نیز در سیستم‌های پولی و بانکی با بهره‌گیری از تجارب این دوره‌ها تا امروز به‌کار گرفته شده است؛ درحالی که این نوع تجربیات اقتصادی که با مراجعه به منابع متوجه گستردگی کاربرد آن‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی می‌شویم در تحقیقات معاصر و نوین، که با روش‌های علمی انجام می‌شوند، جایگاه بسیار اندکی دارند. راه‌کارهای اقتصادی پیشینیان با توجه به گذشت زمان، تبدیل‌شدن به وضعیت تجربه، و مشخص‌شدن مزایا و معایب از قابلیت اجرایی بالایی در پژوهش‌های علمی برای کاربردی‌نمودن نتایج آن برخوردارند.

پی‌نوشت

۱. کلمه صرف و صرافی در فارسی معادلی ندارد و هم‌اکنون اصل عربی آن کاربرد دارد. مفهوم

لغوی صرف کردن را می توان از واژه های صراف، صیرفی، و صیرف به دست آورد که همه به معنای صرافی درهم (سکه نقره) یعنی ارزیابی آن است (الزبیدی، ۱۹۶۹: ۵۳). هم چنین به معنای ارزش سنجی درهمی از درهم دیگر و دیناری از دینار دیگر است (ابن منظور، ۱۹۵۶: ۱۰/۱۹۰). از آن جا که پول رایج در دولت عباسیان سکه های طلا و نقره بوده است، صرافی «فروش طلا به نقره» نیز معنی می دهد (همان). و از آن به معنای مبادله پول، مانند صرافی درهم به دینار یاد شده که در پول های هم سان نیز به کار می رفته و گفته می شود «بین این دو درهم صرف هست» یعنی برتری هست، زیرا نقره یکی بهتر است (الزبیدی، ۱۹۶۹: ۱۶۴). در مجموع، مفهوم لغوی صراف مبادله پول ها و تغییر آن ها از پولی به پول دیگر یا محک زدن و ارزیابی یک پول است. بنابراین صراف خانه مکانی است که این گونه عملیات در آن انجام می پذیرد، و حرفه ای مستقل از شغل های دیگر است، که به قیمت گذاری پول می پردازد و صراف هم کسی است که صرافی گری و معامله سکه ها را مبنای حرفه و شغل خود قرار می دهد، اما در تعریف اصطلاح صراف اختلاف نظر فراوان است و هر کس بر مبنای معلومات و تخصص خویش نظر داده است. قلکشندی در تعریف صراف گفته است: «صراف کسی است که مسئول قبول اموال و مبادله آن ها است و از کلمه صرف به معنای ارزیابی و سنجش طلا و نقره در ترازو گرفته شده است» (قلکشندی، ۱۹۷۰: ۴۶۶). زمخشری گفته است کار صرافی بر پایه فروش طلا یا نقره به صورت پایاپای بود (زمخشری، ۱۳۵۸: ۳۲۸).

۲. جهبذ، در لغت به معنای خبیر و دانا و ناقد، شناسا به تمیز خوب از بد است و به خزانه دار و عامل خراج و مستخرج دیه نیز گفته می شود. جهبذ معرب واژه فارسی کهبذ است؛ به معنای کسی که زر سره را از ناسره تشخیص می دهد. جهبذ را در لغت نقاد و صراف آگاه به پیچیدگی های کار و آشنا به روش نقد نیز گفته اند (ذیلابی، ۱۳۸۶: ۱۱/ ذیل «جهبذ»). به همین علت، وضعیت وجود شخصی را اقتضا می کرد که به اوضاع و احوال طلا و نقره و پول آگاه و به آنچه مایه خلل و نقصان آن ها می شود دانا باشد و به کسی که آگاه و آشنا به چنین مسائلی باشد جهبذ گفته می شد. جهبذها معمولاً متفاوت بوده اند گاهی از جهبذ به منزله متصدی بانک و زمانی به معنای نویسنده خراج یاد شده است. پژوهش گران برای جهبذ، در مقام صاحب منصب رسمی و اداری، معانی گوناگونی به دست داده اند که از آن جمله است: خزانه دار و بانک دار (متز، ۱۳۶۴: ۱/ ۱۳۴)، ناقد و صیرفی (الزبیدی، ۱۹۳۷: ۴۹۱). هم چنین جهبذ به واسطه و دلالتی که مؤدیان مالیات خود را به دست او به دیوان می پرداختند گفته می شد؛ (جمع آن جهابذه) برخی جهبذ را به معنای کسی گرفته اند که در ابتدا مبلغ خراج را به عامل می دهد و سپس مبلغ بیش تری از مردم خراج دهنده وصول می کند. جهبذها دارای دیوانی بودند که یک نوع دیوان حسابرسی بود و در آن به صورت کسور و بقایای حساب ها عمل می شده است.

منابع

- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی بن محمد (۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۲م). *المنتظم فی تاریخ الامم والملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن عبدربه، ابو عمر احمد بن محمد (۱۹۵۳). *العقد الفريد*، تحقیق محمد سعید العریان، ج ۱، قاهره: المكتبة التجارية الكبرى.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۹۵۶). *لسان العرب المحيط*، ج ۱۰، بیروت: دار صادر.
- انوری، حسن (۱۳۷۳). *اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی*، تهران: طهوری.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۰۰ق/ ۱۹۷۹م). *انساب الاشراف*، تحقیق احسان عباس، ج ۵، بیروت: جمعیة المستشرقین الالمانیة.
- تنوخی، ابوعلی المحسن بن علی بن محمد (۱۳۹۱ق/ ۱۹۲۱م). *نشوارالمحاضرة واخبار المذاكرة*، ج ۵ و ۸، بیروت: مطبعة المجمع العلمي.
- جهشیاری، عبدالله محمد بن عبدوس (۱۳۵۷ق/ ۱۹۳۸م). *کتاب الوزراء والکتاب*، ط ۸، تصحیح عبدالله الصاوی، القاهرة: مطبعة عبدالحمید احمد حنفی.
- حموی، یاقوت (۱۴۱۴ق). *معجم البلدان*، ج ۱، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (۱۴۱۷ق). *تاریخ بغداد*، ج ۴ و ۷، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- خوارزمی، ابوبکر محمد بن عباس (۱۳۶۲). *مفاتیح العلوم*، ترجمه حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی.
- الدجیلی، خوله شاکر (۱۳۷۹). *بيت المال، پیدایش و تحولات آن*، ترجمه سیدمحمدصادق عارف، مشهد: آستان قدس رضوی.
- الدوری، عبدالعزیز (۱۹۹۵). *تاریخ العراق الاقتصادي فی القرن الرابع الهجری*، بیروت: کانون الثانی.
- ذیلابی، نگار (۱۳۸۶). «جهبذ»، *دانش نامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۱۱، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری کتاب مرجع.
- الزبیدی، محمدحسین (۱۹۶۹). *العراق فی العصر البویهی: التنظيمات السیاسیة و الاداریة و الاقتصادية*، قاهره: دن.
- زمخشري، ابوالقاسم محمود بن عمر (۱۳۵۸ق). *اساس البلاغة*، بیروت: دار الصادر.
- الزیت، حبيب (۱۹۳۷). «الصیارقة فی الاسلام»، *مجلة المشرق*، ج ۴، تشرين الاول، کانون الاول.
- سرخسی، ابوبکر محمد بن ابی سهل (۱۳۲۴ق). *المبسوط*، ج ۱۴، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
- السعدی، امل (۱۹۸۵). «الصیرفة والجهذة فی العراق»، رسالة دوکتوراه، کلیة الآداب، جامعة البغداد.
- صابی، ابی الحسن الهلال بن المحسن (بی تا). *الوزراء او تحفة الامراء فی تاریخ الوزراء*، مراجعة و تقدیم د. حسن الزین، بیروت: دارالفکر الحدیث.
- صالح الفاضلی، خولة عیسی (۱۳۸۳). «آلیة المصطلحات الاداریة الواردة فی کتاب مفاتیح العلوم للخوارزمی»، *آفاق الحضارة الاسلامیة*، العدد ۱۴، السنة ۷.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ الرسل والملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۹، ۱۲، ۱۳، و ۱۴، تهران: اساطیر.

۶۲ گردش نظام پولی خلافت عباسی در قالب چک و سفته

- طیبیان، محمد (۱۳۶۶). *اقتصاد کلان، اصول نظری و کاربرد آن*، تهران: وزارت برنامه و بودجه.
- العیون و الحدائق فی اخبار الحقائق (۱۹۷۲). تحقیق نبیله عبدالمنعم داود، ج ۳، نجف: مطبعة النعمان.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۶۵). بخارا، دستاورد قرون وسطی، ترجمه محمود محمودی، تهران: علمی و فرهنگی.
- قلقشندی، شهاب‌الدین احمد بن عبدالله بن احمد (۱۹۷۰). *صیح الأعشی فی صناعة الانشاء*، ج ۱۰، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۳). *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی.
- لمبتون، آن. کی. اس (۱۳۷۴). *دولت و حکومت در اسلام*، ترجمه و تحقیق سیدعباس صالحی و محمدمهدی فقیهی، تهران: عروج.
- لومبارد، موریس (۱۳۵۶). «کلیاتی درباره تغییرات اقتصادی که با ایجاد حکومت اسلامی در جهان آن روز پدید آمد»، ترجمه امیرحسین جهانگللو، فصل‌نامه تحقیقات اقتصادی، بهار و تابستان، ش ۳۷ و ۳۸.
- متز، آدام (۱۳۶۴). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگزلو، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۶۹). *تجارب الامم*، ترجمه ابوالقاسم امامی، ج ۱ و ۳، تهران: سروش.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۷۶). *تجارب الامم*، ترجمه علی نقی منزوی، ج ۵ و ۶، تهران: توس.
- میرآخور، عباس و باقر الحسنی (۱۳۷۱). *مقالاتی در اقتصاد اسلامی، روش اسلام در حل مسائل اقتصادی*، ترجمه حسن گلرین، تهران: مؤسسه بانکداری ایران.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۱). *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۷۶). *ماهیت پول و راهبردهای فقهی - اقتصادی آن*، قم: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Canard, Marius (1934). *Sayf al-Daula*, Alger, Editions Jules Carbone.

Fischel, W. J. (1933). 'The Origins of Banking in Medieval Islam', *Journal of the Royal Asiatic Society (JRAS)*.

Fischl, W. J. (1937). *Jews in the Economic and Political Life of Mediaeval Islam*, London: The Royal Asiatic Society.

Labib, Subhi Y. (1969). 'Capitalism in Medieval Islam', *Journal of Economic History*, Vol. 29.

Spuler, Bertold (1970). 'Trade in the Eastern Islamic Countries in the Early Centuries', *Islam and the Trade of Asia*, D. S. Richards (ed.).